

فهرست مطالب

فصل اول : کلیات و تعاریف

۲	بخش اول : کلیات
۲	۱.۱.۱. بیان مسأله:
۳	۲.۱.۱. پیشینه تحقیق:
۴	۳.۱.۱. ضرورت تحقیق :
۴	۴.۱.۱. سؤالات تحقیق:
۴	۵.۱.۱. فرضیه ها :
۵	۶.۱.۱. روش تحقیق :
۶	بخش دوم : تعاریف
۶	۱.۲.۱. جغرافیا
۶	۱. جغرافیا در لغت
۶	۲. جغرافیا در اصطلاح
۷	۲.۲.۱. تاریخ
۷	۱. واژه تاریخ در لغت
۸	۲. تاریخ در اصطلاح
۹	۳.۲.۱. به هم پیوستگی تاریخ و جغرافیا
۱۰	۴.۲.۱. باستان شناسی و تاریخ
۱۱	۵.۲.۱. تفسیر
۱۱	۱. واژه تفسیر در لغت
۱۱	۲. واژه تفسیر در اصطلاح

فصل دوم: تاریخ و جغرافیا نگاری اسلامی و معرفی اجمالی اهمّ منابع آن دو

۱۳	بخش اول : تاریخ و جغرافیا نگاری اسلامی و سیر آن
۱۷	بخش دوم : معرفی اجمالی اهمّ منابع تاریخی و جغرافیایی
۱۷	۱.۲.۳. اهمّ منابع تاریخی
۱۷	۱. سیره ابن اسحاق
۱۹	۲. سیره ابن هشام
۲۰	۳. مغازی واقدی
۲۱	۴. طبقات ابن سعد

۵. تاریخ یعقوبی ۲۲
۶. تاریخ طبری ۲۳
۷. مروج الذهب مسعودی ۲۴
۸. الكامل فی التاریخ ابن اثیر ۲۵
۹. تاریخ الاسلام ذهبی ۲۶
- ۲.۲.۳ : اهم منابع جغرافیا ۲۷
۱. المسالك و الممالک ابن خردادبه ۲۷
۲. فتوح البلدان بلاذری ۲۸
۳. مسالك الممالک اصطخری ۲۹
۴. المسالك و الممالک بکری ۳۰
۵. معجم البلدان یاقوت حموی ۳۰

فصل سوم : قرآن، مفسران و تاریخ و جغرافیا

- بخش اول : موضوعات تاریخی و جغرافیایی در قرآن ۳۲
- ۱ : پیامبران گذشته و امم پیشین ۳۲
- ۲ : جامعه جاهلی پیش از اسلام ۳۳
- ۳ : پیامبر اسلام و دوران قبل از هجرت به مدینه ۳۴
- ۴ : پیامبر اسلام و دوران بعد از هجرت به مدینه ۳۴
- بخش دوم : مفسران و موضوعات تاریخی و جغرافیایی ۳۵
- ۱.۲.۳ : سرزمین مقدس ۳۶
- (۱) سرتاسر سرزمین شام ۳۶
- (۲) بیت المقدس ۳۷
- (۳) دمشق ، فلسطین و بعضی از اردن ۳۷
- (۴) سرزمین طور و اطراف آن ۳۷
- (۵) قرار داشتن آن مابین مصر و فرات ۳۸
- ۲.۲.۳ : ارم ۳۸
- ۳.۲.۳ : تین و زیتون ۴۱
- ۴.۲.۳ : تعیین سهم به وسیله تیر های نشان دار ۴۲
- ۱ : تعیین برندگان و بازندگان (میسر) ۴۲
- ۲ : تعیین نیک و بد کارها و آگاهی از گذشته و آینده ۴۴

- ۳: یافتن راه حل مشکل (قرعه) ۴۴
- ۳.۲.۵: شهری عذاب شده به دلیل تکذیب فرستادگان الهی ۴۶
- ۳.۲.۶: حادثه بئر معونه و به شهادت رسیدن جمعی از قاریان قرآن ۴۹
- ۳.۲.۷: حمله بختنصر به بیت المقدس و هجوم بردن وی بر اعراب ۵۱
- ۱: حمله به بیت المقدس ۵۲
- ۲: حمله به اعراب ۵۵
- ۳.۲.۸: محل به آتش افکندن ابراهیم ، بابل ۵۶
- ۱) بابل ، محل سکونت ابراهیم ۵۷
- ۲) فرود آمدن هاروت و ماروت در بابل ۶۰
- ۳) اسارت یهود در بابل ۶۰

فصل چهارم: معیارهای پذیرش یا رد گزارش ها و روایت های تاریخی و جغرافیایی

- ۴.۱.۱: سازگاری با قرآن ۶۲
- ۱: موافقت با ظاهر قرآن ۶۲
- ۲: موافقت با سیاق ۶۴
- ۳: توجه به لحن آیات ۶۷
- ۴: توجه به مقام سخن ۶۹
- ۴.۱.۲: سازگاری با سیره پیامبران ۷۲
- ۴.۱.۳: سازگاری با دریافت های عقلی ۷۴
- ۴.۱.۴: توجه به ناقل یا ناقلان ۷۴
- ۱: در نظر گرفتن گرایش های سیاسی و مذهبی ۷۴
- ۲: هویت ناقلان ۷۵
- ۴.۱.۵: قدمت نقل ۷۶

فصل پنجم: نقش داده های معتبر تاریخی و جغرافیایی در رفع چالش های قرآنی

۱. جهان شمولی طوفان نوح و آرام گرفتن کشتی نوح بر کوه آرات ۷۷
- نکته ۱: توجه به ظاهر آیات ۷۸
- نکته ۲: بحث های زمین شناسی پیرامون طوفان نوح ۸۱
- نکته ۱: محفوظ ماندن کشتی ۸۶
- نکته ۲: تحقیقات باستانی پیرامون محل فرود کشتی نوح ۸۶
۲. کورش کبیر ۹۱

- نکته ۱ : توجه به ظاهر آیات و برشمردن ویژگی های ذوالقرنین ۹۴
- نکته ۲ : رؤیای دانیال نبی و ذوالقرنین ۹۵
- نکته ۳ : کورش ، مسیح خداوند و عقابی شکاری ۹۷
- نکته ۴ : بیان سرگذشت کورش کبیر ۹۸
- (۱) نهضت نخست کورش و فتح لیدی ۱۰۰
- (۲) حرکت به سوی سرزمین های مکران و سیستان و بلوچستان ، دومین نهضت کورش ۱۰۲
- (۳) فتح بابل ۱۰۴
- (۴) پایان اسارت یهود و فرمان تجدید بنای هیکل ۱۰۶
- (۵) نهضت سوم کورش به شمال ۱۰۷
- (۶) کورش و ساختن سدی آهنین ۱۰۹
- نکته ۵ : شناسایی گروه غارتگر یاجوج و ماجوج ۱۱۲
۳. قبض روح در حال شادمانی ۱۱۸
- نکته ۱ : آسمان و برج های آن ، شاهد و مشهود ۱۱۸
- نکته ۲ : قتل به چه معناست؟ ۱۲۰
- نکته ۳ : اصحاب اخدود کیانند؟ ۱۲۱
- نکته ۴ : اخدود و ویژگی های آن ۱۲۲
- نکته ۵ : زمینه پیدایش حادثه اخدود ۱۲۳
- (۱) نصارای نجران ۱۲۳
- (۲) مومنان منطقه مذارع ۱۲۹
- (۳) قومی از مجوس ۱۲۹
- (۴) گروهی از بنی اسرائیل ۱۲۹
- (۵) گروهی از مومنان معتزل ۱۳۰
- (۶) گروهی از بت پرستان یمن ۱۳۰
- (۷) پیروان پیامبر حبشی ۱۳۰
- (۸) پیروان دانیال نبی ۱۳۱
۴. وعده یاری خداوند به مؤمنان و زمان تحقق آن ۱۳۲
- نکته ۱ : مراد از " روم " و " أدنی الأرض " ۱۳۳
- نکته ۲ : دلیل شادی مؤمنان چیست؟! ۱۳۴
- نکته ۳ : تطبیق تاریخی ۱۳۴

- نکته ۴ : یاری خداوند نسبت به مؤمنان کی تحقق یافت؟! ۱۳۵
۵. به تأخیر انداختن ماه حرام ؛ افزایشی در کفر ۱۳۶
- نکته ۱ : توجه به ظاهر قرآن و داده های عقلی ۱۳۷
- نکته ۲ : انگیزه به تأخیر انداختن ماه حرام ۱۳۷
- نکته ۳ : چگونگی به تأخیر انداختن ماه حرام ۱۳۸
- (۱) به تأخیر انداختن محرم در هر سه سال ۱۳۸
- (۲) به تأخیر انداختن محرم در هر دو سال ۱۳۸
- (۳) به تأخیر انداختن محرم در برخی سال ها ۱۳۹
۶. حضرت فاطمه زهرا (س) ، خیر کثیر ۱۴۰
- نکته ۱ : شانیء به چه معناست؟ ۱۴۰
- نکته ۲ : معنای ابتر ۱۴۰
- نکته ۳ : ابوجهل، دشمن کینه توز و خشمگین و ابترخواننده پیامبر(ص) ۱۴۱
- نکته ۴ : بررسی معنای کوثر ۱۴۳
- نکته ۵ : حضرت فاطمه زهرا(س) تنها مصداق کوثر ۱۴۳
- نکته ۶ : نزول سوره کوثر در شأن حضرت فاطمه زهرا (س) ۱۴۴
۷. بیرون کردن یهود بنی نضیر از مدینه ۱۴۹
۸. یادآوری نعمت ۱۵۹
۹. گشایشی آشکار ۱۶۷
۱۰. پیروزی با یاری خداوند ۱۷۲
۱۱. انتخاب جانشین و برباد رفتن آخرین امید کافران ۱۷۹
۱۲. سدر لبنانی همان درخت سدره قرآن ۱۹۷
۱۳. گیاه حنا ، کافور قرآن ۲۰۲
۱۴. فرقیون صمغی ، زقوم واقعی قرآن ۲۰۸
- نتایج و دستاوردها ۲۱۲
- فهرست منابع ۲۱۵

” وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا ”^۱

مقدمه :

قرآن مرتبه ای از علم الهی و جامعترین، استوارترین و آخرین رهنمود خداوند برای دست یابی به صلاح، فلاح و سعادت دو جهان است. ویژگی های منحصر به فرد این کتاب بزرگ سبب گردیده است که نه تنها مسلمانان بلکه دانشمندان ادیان و مذاهب دیگر نیز به دیده اعجاب به آن بنگرند و در حدود کشف رمز و رازها و مطالب ژرف، بدیع، هدایتگر و سازنده آن برآیند. از جمله ویژگی های این کتاب آن است که در آن به موضوعات تاریخی و جغرافیایی نیز پرداخته شده است. سخن گفتن از زمان خلقت آسمان ها و زمین، آفرینش انسان، سرگذشت پیامبران، اقوام، شخصیت ها، سخن گفتن از برخی سرزمین ها و مکان ها، جامعه جاهلی، ویژگی ها و سنن حاکم بر آن جامعه، ظهور اسلام و حوادث ناشی از آن از جمله مواردی است که ناظر به مسائل و بحث های تاریخی و جغرافیایی است. قرآن به دلیل ویژگی های تربیتی و هدایتی، در ذکر اینگونه موارد به صورت جزئی و گزینشی عمل کرده است. برای آگاهی بیشتر از اینگونه مطالب و روشن نمودن مواردی که قرآن در ذکر برخی حوادث یادآور نشده است نیازمند رجوع به منابعی هستیم که در آن منابع گزارش های مفصل تری را یادآور شده اند. مفسرین قرآن در آغازمانند ابن عباس به بازگو نمودن چنین مطالبی در تفسیر خود همت گماشته اند که البته این مطالب یا به واسطه علم و آگاهی خود ایشان بوده یا با کمک گرفتن و سؤال کردن از پیامبر (ص) و در دوره های بعد با کمک برخی از اهل کتاب که به این مطالب آگاهی بیشتری داشته اند. گزارش های متفاوت و گاه متناقض پیرامون یک حادثه باعث شده است تا در میان نظرات ارائه شده اختلاف نظر وجود داشته باشد. بررسی پیرامون نقش این گونه گزارش ها و روایت ها پیرامون تفسیر قرآن به خوبی نشان از آن دارد

که اختلاف نظر ها پیرامون موضوعات تاریخی و جغرافیایی قرآن بسیار زیاد است. هر مفسری با توجه به مستندات (نوشته ها، گفته ها، داده های عقلی و گرایشی) نظری خاص را پیرامون یک موضوع پذیرفته است. و این باعث شده است تا تفاسیر موجود اغلب مملو از وجود نظریات گوناگون و متناقض باشد.

حال با وجود چنین مشکلی لازم است تا معیار هایی در رابطه با پذیرفتن یا رد این گزارش ها و ورایت ها در نظر گرفته شود تا گزارشی که متقن، دقیق و دارای صحت بیشتری است به عنوان نظر برتر پذیرفته شود. این معیارها می تواند با توجه به قرآن، کتب مقدس و دریافت های عقلی در نظر گرفته شود.

بخش اول: کلیات

۱.۱.۱. بیان مسأله:

در بسیاری از سوره های قرآن، مطالب متنوعی از قبیل: دعوت، مبارزه، رهبری، زمامداری، قضاوت، صنعت و... درباره پیامبران گذشته و امم پیشین، جامعه جاهلی پیش از اسلام و سنتها و عادت های مرسوم آن، ظهور اسلام و حوادث ناشی از آن، جامعه اسلامی و مسائل مربوط به آن آمده است. گزارش قرآن درباره بیشتر این مطالب به صورت جزئی و گزینشی است که این باعث شده، بیشتر مفسران در پی کشف جزئیات بیشتری در این زمینه ها باشند. نتیجه چنین برخوردی از سوی مفسران این است که در مورد مکان، زمان و نحوه شکل گیری یک رویداد و یا یک حادثه، احتمال های متفاوتی بیان گردد. هر مفسری با توجه به آن چه از مستندات (مکتوبی، نقلی و عقلی و گرایشی) در اختیار داشته است نظری را برگزیده است. برای مثال می توان حادثه "اخدود" را یاد آور شد. اینکه حادثه اخدود در چه زمان و مکانی روی داده است، اینکه اصحاب اخدود چه کسانی بوده اند و... از جمله مسائلی است که بیشتر مفسران به آن پرداخته اند و نظرات گوناگونی را ارائه داده اند. بنابراین شناخت درست و فهم بایسته از اینگونه مطالب زمانی شکل می گیرد که نکته های بیشتری از آن مطالب برای ما معلوم باشد. منابع تاریخی و جغرافیایی، آگاهی های بیشتری در این راستا به ما ارائه می دهند.

۲.۱.۱. پیشینه تحقیق:

بی تردید سابقه و پیشینه تحقیق، همزمان با نزول آیات قرآن و حتی قبل از آن صورت پذیرفته است. طرح سؤال از سوی برخی در مورد اصحاب کهف، ذو القرنین و... نشان از این دارد که حتی قبل از نزول برخی آیات، شناخت و آگاهی از حوادث و شخصیت های گذشته

مورد توجه بوده است. ابن عباس از اولین مفسرانی است که به مسائل جغرافیایی و تاریخی توجه داشته^۱ و در ضمن تفسیر برخی آیات به اینگونه مسائل اشاره می نماید. لازم به ذکر است که تاکنون در این زمینه، بررسی و تحقیقات فراوانی صورت پذیرفته که می توان از «سیره ابن هشام»، «مغازی واقدی»، «تاریخ یعقوبی»، «تاریخ طبری»، «معجم البلدان یعقوبی» و برخی تفاسیر مانند تفسیر «طبری»، «المیزان» و ... نام برد.

۳.۱.۱. ضرورت تحقیق:

مفسران از دیرباز درباره مسائل و موضوعات مختلف قرآن از جمله مسئله های تاریخی و جغرافیایی به بحث پرداخته اند. وجود گزارش های تاریخی و جغرافیایی مختلف و گاهی متناقض درباره یک موضوع باعث شده است تا نظرات مفسرین نیز پیرامون یک موضوع متفاوت و گاهی متضاد باشد. گاهی می شود که یک مفسر تنها پیرامون یک موضوع، تمامی نظرات ارائه شده را بدون بررسی و نقد آن ذکر می کند و خود نظری را بر نمی گزیند. لیکن همانطور که می دانیم در مورد یک موضوع، حقیقت نزد خداوند یکی بیشتر نیست و لذا بررسی و تعیین معیار هایی برای پذیرفتن گزارش های تاریخی و جغرافیایی موجود درباره موضوعات و مسائل قرآنی می تواند ما را به حقیقت رهنمون کند.

۴.۱.۱. سؤالات تحقیق:

۱. آیا از سوی مفسرین قرآن، توجهی به مسائل و موضوعات تاریخی و جغرافیایی قرآن شده است؟
۲. تأثیر گزارش ها و اطلاعات تاریخی و جغرافیایی در بیان دیدگاه مفسرین به چه میزان است؟
۳. آیا از سوی مفسرین، معیار هایی برای پذیرش و یا رد گزارش ها و داده های تاریخی و جغرافیایی ارائه شده است؟
۴. معیار های پذیرش یا رد گزارش ها و داده های تاریخی و جغرافیایی در رابطه با تفسیر چیست؟
۵. میزان تأثیر گزارش های پذیرفته شده در تفسیر به چه میزان است؟

۵.۱.۱. فرضیه ها:

۱. مفسرین قرآن از دیرباز به مسائل و موضوعات تاریخی و جغرافیایی قرآن پرداخته اند.

^۱ ر.ک: محمد هادی معرفت، تفسیر و مفسران، ترجمه علی خیاط (قم: مؤسسه فرهنگی تمهید، چاپ سوم، ۱۳۸۵)، ج ۱، ص ۲۴۱.

۲. تأثیر گزارش ها و داده های تاریخی و جغرافیایی در بیان دیدگاه مفسرین به حدی است که درباره یک موضوع نظرات گوناگون و حتی متناقض ارائه شده است.
۳. خیر، هیچ گونه معیاری گزارش نشده است.
۴. معیار های پذیرش یا رد گزارش ها و داده های تاریخی و جغرافیایی می تواند در دو محور باشد: الف) سازگاری با قرآن ب) سازگاری با داده های عقلی
۵. تأثیر گزارش های پذیرفته در تفسیر به صورتی است که ما را به حقیقت رهنمون می کند.

۶.۱.۱. روش تحقیق:

روش تحقیق با توجه به نوع موضوع تحقیق، کتابخانه ای است. در این روش که با رجوع به منابع معتبر و مفصل تاریخی و جغرافیایی، آگاهی از مسائل و موضوعات مهم تاریخی و جغرافیایی و بررسی ارتباط مسائل و موضوعات مهم تاریخی و جغرافیایی با قرآن صورت می پذیرد، بر آن است تا در نهایت تأثیر تاریخ و جغرافیا را در تفسیر آیات قرآن بیان نماید. نحوه دسترسی به منابع معتبر و مفصل تاریخی و جغرافیایی نیز با مراجعه به کتابخانه های مهم، نرم افزارهای جامع تفسیر، تاریخ و جغرافیا، دائرة المعارف ها و برخی سایت های اینترنتی صورت پذیرفته است.

بخش دوم: تعاریف

۱.۲.۱: جغرافیا

(۱) جغرافیا در لغت

جغرافیا کلمه ای معرب از اصل یونانی "ژئو گرافی" است مرکب از "ژئو" به معنی زمین و "گرافن" به معنی نوشتن و تشریح کردن که روی هم رفته به معنی نگارش زمین است.^۱ در متون اسلامی عنوان کتاب مارینوس صوری و کلودیوس بطلمیوس یا بطلمیوس القلودی است که به زبان عربی صورة الأرض ترجمه شده است و این نام توسط برخی از جغرافی دانان اسلامی به عنوان نام آثار جغرافیایی ایشان به کار رفته است.^۲ مسعودی، جغرافی را به "قطع الارض" معنی نموده است یعنی "بیمودن زمین". با این همه این کلمه برای نخستین بار توسط نویسندگان رسائل اخوان الصفاء به معنی "نقشه دنیا و اقلیم ها" (خریطة العالم و الاقالیم) و نیز به معنی "صورة الأرض" به کار رفته است.^۳

(۲) جغرافیا در اصطلاح

در تعریف اصطلاحی جغرافیا باید گفت که جغرافیا علم نگارش زمین و وصف احوال طبیعی، انسانی، اقتصادی و اجتماعی آن است و می توان آن را چنین شرح داد و بیان کرد: تشریح دقیق و علمی وضع زمین یا شرح وضع سطحی سیاره ای که بشر بر روی آن زندگی می کند. استرابون می گوید: جغرافی کاری است که شامل تشریح سطح زمین می گردد.^۴

جغرافیا از نظر موضوع به چند شعبه تقسیم می شود:

(۱) جغرافیای اقتصادی: از منابع کشاورزی و صنعت و تجارت میان کشورهای مختلف و

استفاده هایی که انسان می تواند از زمین بردارد بحث می کند.

^۱ . علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج ۵، ذیل "جغرافیا".

^۲ . علی اصغر حلبی، تاریخ تمدن در اسلام (تهران: اساطیر، چاپ دوم، ۱۳۸۲)، ص ۳۵۸.

^۳ . همان.

^۴ . علی اکبر دهخدا، همان.

- ۲) جغرافیای انسانی: از انسان بر روی کره زمین و نسبتی که با عوامل زمین دارد یعنی موقعیت و آب و هوا و پستی و بلندی و حرارت و برودت و جز آن گفتگو می کند.
- ۳) جغرافیای تاریخی: از وضع سرزمین های مختلف بر حسب موقعیت های گوناگون تاریخی که داشته اند سخن می گوید.
- ۴) جغرافیای ریاضی (هیات): از سطح و حرکات و وزن و جرم و حجم و فاصله زمین با کرات دیگر منظومه شمسی سخن می گوید.
- ۵) جغرافیای سیاسی: از تشکیلات سیاسی و اجتماعی کشور های مختلف یعنی نژاد و مذهب و زبان و حکومت و مانند آن بحث می کند.
- ۶) جغرافیای طبیعی: شرح اوضاع و احوال سطحی زمین است یعنی بحث از برجستگی ها و عوامل طبیعی که باعث تغییر و دگرگونی بر روی زمین می شوند، بیان می دارد.^۱

۲.۲.۱: تاریخ

(۱) واژه تاریخ در لغت

واژه تاریخ در لغت به معانی همچون تعریف وقت و زمان، نوشتن کتاب، وقت چیزی معین کردن، شرح وقایع و سرگذشت های پیشینان، وقت و زمان معین و... آمده است.^۲ برخی اصل واژه تاریخ را عربی دانسته اند که از ریشه "ارخ" (به فتح همزه و کسر آن) به معنی بچه گاو وحشی اشتقاق یافته است.^۳ و وجه مناسبت تاریخ با این معنی آن است که مانند تولد بچه، حادثه ای پدید می آید. عده ای نیز بر آنند که تاریخ هر چیزی به معنای غایت و نهایت آن چیز است مانند اینکه می گویند فلانی تاریخ قوم خود است یعنی شرف و اعتبار آن قوم به وی منتها می شود.^۴ برخی نیز واژه تاریخ را معرب دانسته اند و گفته اند تاریخ که مردم بدان وقایع را نگارند عربی محض نیست بلکه مسلمانان، آنرا از اهل کتاب گرفته اند.^۵

با توجه به آنچه بیان شد باید گفت که اصل واژه تاریخ، عربی است و از ریشه "ارخ" اشتقاق یافته است. "ارخ" به معنای "صلی" (روشن کردن آتش) است. فراهیدی ذیل "ارخ" بیان می دارد: «... و أرخت الناقه، و إرخواؤها: إصلاؤها، فإذا ترخت قیل: أصلت، و إصلاؤها

^۱ . علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج ۵ ، ذیل "جغرافیا".

^۲ . رک: همان ، ذیل " تاریخ" ؛ حسن عمید ، فرهنگ فارسی عمید ، ج ۱ ، ذیل "تاریخ".

^۳ . رک: علی اکبر دهخدا ، همان و محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان العرب (بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق)، ج ۳، ص ۴.

^۴ . زبیدی ، تاج العروس ، تحقیق علی شیری (بیروت: دار الفکر ، ۱۴۱۴ ق) ، ج ۴ ، ص ۲۵۶.

^۵ . رک: محمدبن مکرّم ابن منظور، همان .

إنهاك أصلابها، أي انفراجها لعظم الجنين، و ذلك إذا عظم ولدها في بطنها. ^۱ «من ناقة شتر را مراقبت کردم و مراقبت کردن از آن ناقه شتر، گرم نگه داشتن اوست ، در این صورت است که تو ناقه شتر را مراقبت کرده ای. گفته شده است که :آتش روشن کردم و آتش روشن کردن جهت گرم نگه داشتن ناقه شتر به این است که مانع از این شوی به سختی و ناراحتی دچار شود یعنی او را به خاطر بزرگ شدن دو طرف شکم ، راحت بگذاری و این کار هنگامی است که بچه شتری در شکم دارد».

ابن منظور نیز ذیل " ارخ " می نویسد: «... و الأرخ: الأثنى من البقر البكر التي لم ينز عليها الثيران ... و العرب تُشَبِّه النساء الخفريات في مشيهن بالإراخ ... ^۲ " ... و أرخ ، گاو ماده بکری است که گاو نری جهت تولید نسل بر آن حرکت داده نشده است و عرب ، زنان با حیا را در راه رفتن به إراخ تشبیه می کند". عرب ، زنان با حیا را در راه رفتن به " إراخ " تشبیه می کند که کنایه از این دارد که این زنان باحیا به شدت از خود مراقبت و حفاظت می کنند. بنابراین تأریخ به معنای حفظ کردن، نگهداری و مراقبت است و وجه مناسبت تاریخ با این معنی، نگهداری، حفظ و ثبت وقایع و حوادث است.

(۲) تاریخ در اصطلاح

تاریخ به صورت اشتراک لفظی در دو معنای متفاوت کاربرد دارد. دانش تاریخ که نام یک علم است و موضوع دانش تاریخ که به معنای حوادث و وقایع انسانی در گذشته است. در تمامی علوم عنوان و نامی که برای علم اعتبار شده با نامی که برای موضوع آن علم وضع گردیده متفاوت است؛ مثلاً علمی وجود دارد به نام " طب " و موضوع آن سلامتی بیماری بدن انسان است. " زمین شناسی " نام علم و " زمین " موضوع آن است و همین گونه است عناوین مکانیک و ماشین ، هوا شناسی و آب و هوا، روان شناسی و روان، ادبیات و زبان، فلسفه و وجود، علوم سیاسی و سیاست، حقوق و روابط انسان ها (حق افراد به یکدیگر)، الهیات و خدا و شریعت و سایر اسامی علوم و موضوعات آن ها در هیچ کدام لفظ مشترک وجود ندارد.

اما هنگامی که لفظ تاریخ استعمال می شود ممکن است منظور گوینده، دانش تاریخ باشد که نام یک علم است و یا حوادث و وقایع انسانی در گذشته باشد که موضوع علم تاریخ

^۱ .خلیل بن احمد فراهیدی ، کتاب العین ، تحقیق دکتر مهدی مخزومی و دکتر ابراهیم سامرائی (بی جا]: در الهجرة ، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق) ، ج ۴ ، ص ۳۰۱.

^۲ . محمد بن مکرم ابن منظور، همان.

است. متفکران زیادی متوجه این اشتراک لفظی و لزوم تفکیک هنگام بحث از تعاریف و مفاهیم تاریخ بوده و آنرا بیان داشته اند. مرحوم دکتر شریعتی می نویسد: «در موضوع تاریخ تناقضی در لفظ است، هم در لفظ تاریخ در ادبیات فارسی و عربی و هم در همین لفظ در معادل انگلیسی، فرانسه و آلمانی اش. در هر دو فرهنگ، دو مفهوم مختلف تحت یک کلمه به کار می رود. می دانیم که یک "علم" وجود دارد و یک "موضوع علم"، مثلاً زمین، آسمان، عناصر و روان، موضوع های علم است و زمین شناسی، هیأت، شیمی، جامعه شناسی و روان شناسی، "خود علم". کلمه طب داریم که نام علم است و موضوعش بدن انسان و بیماری های بدن انسان است بنابراین موضوع این علم، لفظی به نام "بیماری های بدن" دارد و خود علم لفظ دیگری به نام "طب" اما در تاریخ، هر دو مفهوم، یعنی "موضوع تاریخ" و "خود علم تاریخ" در یک لفظ مشترک "تاریخ" بیان می شود»^۱.

به هر حال تاریخ در اصطلاح به معنای حرکت انسان در طول زمان است.^۲

لازم به ذکر است که دانش تاریخ، به چند نوع تقسیم می شود:

- (۱) تاریخ نقلی: علم به وقایع و حوادث سپری شده و اوضاع و احوال گذشتگان.
- (۲) تاریخ علمی (تحلیلی): علم به قواعد و سنن حاکم بر زندگی های گذشته که از مطالعه و بررسی و تحلیل حوادث و وقایع گذشته به دست می آید.
- (۳) فلسفه تاریخ: علم به تحولات و تطورات جامعه ها از مرحله ای به مرحله دیگر و قوانین حاکم بر این تطورات و تحولات.^۳

۳.۲.۱: به هم پیوستگی تاریخ و جغرافیا

جغرافیا به مثابه علم بررسی و مطالعه پدیده های فیزیکی و بیولوژیک سطح کره زمین و چگونگی توزیع آنها یکی از شاخه های دانش بشری است که در اولین قدم خود جوابگوی یکی از مهمترین احتیاجات فوق حیوانی یعنی نیاز به آگاهی و علم بر موقع و موضع و سپس ثبت و ضبط اماکن پیرامون است. انسان در هر لحظه و برای هر کار مایل است موقع و مکان و جایی که در آن قرار دارد و یا مایل است در آن خود یا امری را استقرار دهد آگاهی داشته باشد. خلاصه مدام می خواهد بداند که جاست و دیگران (اعم از اشیاء و افراد) به نسبت او در کجا قرار گرفته و واقع می شوند. علم به کجایی در عالم جغرافیا جای بزرگی را اشغال می

^۱. علی شریعتی، انسان، مجموعه آثار ۲۴ (تهران: انتشارات الهام، ۱۳۶۱)، ص ۲۵۱-۲۵۲.

^۲. رک: همو، تاریخ تمدن، مجموعه آثار ۱۱ (تهران: انتشارات قلم، ۱۳۷۵) ج ۱، ص ۷۶.

^۳. مرتضی مطهری، جامعه و تاریخ (تهران: انتشارات صدرا، چاپ هشتم، ۱۳۷۸)، ص ۷۰-۷۷.

کند تا آنجا که یکی از دو رکن اساسی به کجایی یعنی موقع و موضع یابی و دیگر چگونگی یعنی کیفیات آن موقع و موضع هاست و بدیهی است محتوی این دو کلمه موقع و موضع بسیار عمیق تر و وسیع تر و تفسیر های ناشی از آن در جغرافیای امروز به مراتب پر دامنه تر از آن پاره جمله های غیر مرتبلی است که بعضا هنوز در بعضی کتب درسی مسطور می باشد. تاریخ علم بررسی زندگی نوع بشر است و این زندگی و نوع بشر بر بستری جغرافیایی غنوده است. صحنه زندگی و حوادث نوع انسان، قلمروهای جغرافیایی است و بنابراین عرصه های جغرافیا در زیر پای تاریخ مورد بحث ما کشیده شده به این ترتیب جغرافیا بستر تاریخ می شود. به عبارت دیگر حوادث تاریخی موقوف به مکان معین بوده و این مکان در عقد طبیعی مناطق و نواحی جغرافیایی است.

گاه با کمی غلو گفته می شود که سرآغاز هر علمی با تاریخ است و لکن موقوف به مکان های جغرافیایی است. اما شاید شگفت جلوه کند اگر بگوییم که نخستین جغرافیدانان جهان مورخ بودند و پیشکسوت آنها هردوت مورخ یونانی بود. کلمه جغرافیا را نخست جامعه علمای اسکندریه رواج دادند اما خود جغرافیا دو قرن پیش از آن مورد توجه کامل هردوت مورخ بود. هردوت چه کرد؟ هردوت به عنوان یک مورخ، قلمرو وقایع نگاری محلی و ناحیه ای را گسترد و برای این کار به مسافرت های دور و درازی دست زد. کار مهم هردوت این بود که به ثبت و ضبط وقایع و حوادث و جفت و جوری اسناد و مدارک اکتفا نکرد بلکه به مهد و مهبط و عرصه و میدان و بستر جغرافیایی این وقایع شخصا سفر کرد تا بتواند هر چه بیشتر عوامل موثر محیط را در آن وقایع و حوادث بررسی کند و جریان رودخانه تاریخ را در بستر های طبیعی خویش مورد معاینه قرار دهد. هردوت به عنوان یک مورخ کار خود را در حقیقت از جغرافیا شروع کرد. او می دانست که بدون شناسایی محیط حوادث تاریخی، خود آن حوادث رها از مکان می شوند به همین دلیل به همان اندازه که به زمان توجه داشت مکان و مناطق نواحی جغرافیایی را مورد کاوش قرار داد.

!!

!!

۴.۲.۱: باستان شناسی و تاریخ

باستان‌شناسی علم پژوهش گذشته انسان بر پایه آثار بازممانده از اوست. این آثار شامل بازمانده‌های استخوان انسان، جانوران و بقایای غذا و هرگونه ماده‌ای است که انسان با کار خود در آن تغییر شکل داده و یا ابزاری از آن ساخته است.^۱

اما در مورد ارتباط باستان‌شناسی و تاریخ باید گفت متون تاریخی گذشته لزوماً واقعیت را نمی‌گویند اما باستان‌شناسی روشی است که تصویر ارائه می‌دهد و قضاوت ما را در مورد صحت و سقم متون تاریخی سهل می‌نماید. مورخین از گذشته کوشیده‌اند تا پرسش‌های تاریخی را با پژوهش در اسناد نوشتاری پاسخ گویند با این حال پژوهش‌های تاریخی به این منبع‌ها محدود نمی‌شود. به طور کلی می‌توان منابع تاریخ را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: نوشته‌ها؛ گفته‌ها؛ بقایای مادی.

۵.۲.۱: تفسیر

(۱) واژه تفسیر در لغت

کلمه تفسیر در لغت از ریشه "فسر" به معنای آشکار کردن، کشف و پرده برداشتن از معنای کلام است. راغب می‌گوید: فسر و سفر، همان طور که از نظر لفظی قریب هم‌اند از لحاظ معنایی نیز به یکدیگر نزدیکند با این تفاوت که فسر برای اظهار معنای معقول و مفاهیم غیر محسوس و سفر برای نمودار ساختن اشیای خارجی و محسوس به منظور دیدن است.^۲

(۲) واژه تفسیر در اصطلاح

امروزه کلمه تفسیر در اصطلاح علوم قرآنی مربوط به "علم فهم معانی نهفته قرآن" است.^۳ به نظر می‌رسد که کلمه تفسیر در آغاز به معنای شرح و توضیح کتاب‌ها و نوشته‌های علمی به کار می‌رفته است بدین دلیل شرح و بسط آثار گذشتگان، همانند ارسطو و افلاطون را تفسیر کلام آن‌ها می‌دانسته‌اند. به تدریج این واژه در فرهنگ اسلام به شرح آثار دینی به ویژه قرآن کریم اختصاص یافت. از این رو علامه طباطبائی مفسرگران قدر جهان اسلام تفسیر را این گونه تعریف می‌نماید: «التفسیر هو بیان معانی الآيات القرآنية والكشف عن مقاصدها و مداليلها»^۴؛ تفسیر همان بیان معانی آیات قرآن و کشف مقصود و مضمون آن هاست.

^۱ فاطمه کریمی، "باستان‌شناسی"، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ص ۱۶۷.

^۲ حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی (بیروت: دار العلم، ۱۴۱۲ ق)، ص ۶۳۶ و ۲۷۱.

^۳ سید رضا مؤدب، روشهای تفسیر قرآن، ویرایش ۲ (قم: شریعت، ۱۳۸۵)، ص ۲۶.

^۴ سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن (قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق)، ج ۱، ص ۴.

بنابراین تفسیر تنها توضیح الفاظ قرآن نیست بلکه توضیح مراد کلام خداوند است. هدف اساسی در تفسیر رسیدن به مدلول لفظ و بیان معانی پنهان است نه معانی ظاهری لفظ که از ظاهر کلام به ذهن می رسد لذا تفسیر پرده برداری از معانی پنهان و مقاصد نهایی کلام است از این رو کلامی دارای تفسیر خواهد بود که نوعی معانی پنهان و پیچیده در آن وجود داشته باشد تا از راه تفسیر کشف و آشکار گردد.

بخش اول: تاریخ و جغرافیا نگاری اسلامی و سیر آن

در تاریخ بشری، تمدن هایی که تاریخ مکتوب ندارند روایت خود را به آیندگان اختصاص داده و تمایل چندانی به حفظ اعمال اجداد خود نشان نمی دهند. خلاف آن در مورد تمدن های سامی و غیر سامی صادق است که از قدیم الایام در سواحل مدیترانه و آسیای غربی جانشین یکدیگر شده اند.^۱

تعیین زمان پیدایش خاستگاه های تاریخ نگاری دشوار به نظر می آید ولی در مورد متون تاریخی عربی قبل از اسلام غالباً به " ایام العرب " اشاره می شود که طی آن وقایع مهم تاریخ به صورت شفاهی و سینه به سینه نقل می شده و در دوره اسلامی مکتوب شده است یا این که افرادی بوده اند که نکات تاریخی را به صورت شفاهی حفظ و به نسل های دیگر منتقل می کردند و سپس در دوره اسلامی در تاریخ آمده است.

عمده تاریخ در بین اعراب بر مبنای تاریخ دوره اسلامی و پس از اسلام بوده است. دگرگونی که در بین اعراب مسلمان ایجاد شده بر محوریت پیامبر اکرم (ص) بوده است. بنابراین زندگانی مسلمانان نیز از خصوصیات اخلاقی و نکات برجسته زندگانی ایشان بود. به همین علت دغدغه ای در میان مسلمانان ایجاد شد که در غیاب پیامبر اکرم (ص) سرنوشت مسلمانان چه خواهد شد؟

گویا تنها راه رفع نگرانی مذکور شناسایی اجزای مربوط به زندگی پیامبر (ص) و ضبط آن بود تا سنت پیامبر اکرم (ص) همراه با کتاب خدا، الگوی رفتاری آن ها را تعیین کند. لذا تدوین تاریخ زندگانی پیامبر اسلام سرمشق قرار گرفت که در تاریخ نگاری اسلامی به " سیره

^۱. کلود کاهن، "تاریخ و مورخان اسلامی تا پایان دوران عباسی"، ترجمه شهلا بختیاری، تاریخ اسلام، ۱ (بهار ۱۳۷۹): ۱۴۲.

نویسی " شهرت یافت و می توان آن را نخستین شیوه تاریخ نگاری در میان مسلمانان قلمداد کرد.

قرآن و اشارات آن به زندگانی امت های گذشته و این که از مسلمانان دعوت به سیر و بررسی زندگانی امت ها و پیامبران گذشته و عبرت آموزی از آن ها شده است ، سبب شد که مسلمانان کنجکاو به بررسی تاریخ های قبل از اسلام نیز بپردازند.

قرآن نقطه آغاز روایت تاریخ پیش از اسلام بود اما اطلاعات بیشتری درباره آن دوران ارائه نمی داد. پس ضروری بود تا اطلاعات لازم از روایات و نوشته های غیر مسلمانانی کسب شود که قبلاً با وحی در ارتباط بودند.

گسترش اسلام در زمان پیامبر (ص) و سپس در زمان خلفا که حتی از شبه جزیره عربستان نیز فراتر رفت باعث شد مسلمانان با اقوام غیر مسلمان مجاور خویش و با زندگی آن ها آشنا شده نکات برجسته زندگانی آن ها را ثبت کنند.

در یک نگرش کلی باید گفت: اولاً، ضرورت ثبت زندگانی پیامبر (ص)، ثانیاً ضرورت بررسی اشارات قرآنی، ثالثاً ضرورت برخورد بر اساس شیوه فتح و سرانجام ضرورت متمایز کردن سنت ها و مسائل قبل از اسلام و موضع گیری اسلام در برابر این سنت ها شرایطی را به وجود آورد که در اواسط قرن دوم هجری انبوهی از این نوشتار ها به وجود آمد اما متأسفانه اکثر آن ها در طول زمان از میان رفت.

از همان زمان این اندیشه به وجود آمد که این گونه نوشته های متعدد را به نظم و سامان درآورند تا طالبان علم و معرفت به راحتی بتوانند به آن ها رجوع کنند و متعدد بودن آن ها باعث سردرگمیشان نشود. افرادی چون ابن اسحاق، موسی بن عقبه، معمر بن راشد، ابو معشر مدنی، ابو مخنف، مدائنی، واقدی و... کسانی بودند که در این راستا قدم برداشتند و ده ها کتاب در موضوعات مختلف تألیف کردند.

در مورد نگارش جغرافیا نیز باید گفت که ظاهراً علم جغرافی در قرن چهارم هجری در میان ملل اسلامی به حد کمال رسید و همان طور که در آن قرن کتب تاریخی آنان فزونی یافت، کتب جغرافی اسلامی نیز زیاد شد.

جرجی زیدان در تاریخ تمدن اسلام ذیل جغرافیا می نویسد: لفظ جغرافی می رساند که این علم را عرب وضع نکرده اما چون جغرافی با تاریخ مربوط است و چون عرب ها به واسطه مقتضیات شریعت اسلام پیش از ترجمه جغرافی به زبان عربی، کتاب هایی در توصیف راه ها و شهر ها نگاشته اند، لذا در اینجا از جغرافی اسلامی هم اسمی می بریم. نخستین کسی

که اطلاعات و معلومات خود را درباره شناخت احوال زمین فراهم آورد و نوشت، آرتستین یونانی بود که در سال ۱۹۶ ق.م. در گذشت. سپس استرابون جهانگرد نامی روم و بلنیوس جغرافی دان مشهور یونان پدید آمدند. آنگاه بطليموس قلوذی در اواسط قرن دوم میلادی کتاب مبسوطی در علم جغرافی تنظیم کرد. وی در آن کتاب از روی علم ریاضی و هیأت، مواقع جغرافی اماکن را تعیین کرده و نقشه های بالنسبه منظمی ترسیم نموده و ۴۳۵۰ شهر را یک یک برشمرد و ۲۰۰ کوه را نام برده و معدن های موجود در آن کوه ها را شرح داده و آنچه از حالات مردم آن روز می دانسته در کتاب مزبور ذکر نموده است و کتاب مزبور در آن زمان مهمترین کتب جغرافی محسوب می شده است و همین که اسلام آمد کتاب بطليموس مدرک و مستند علم جغرافی آن ایام گردید. در زمان عباسیان کتاب آن دانشمند به عربی ترجمه شد و همین طور کتاب دیگر وی در هیأت به اسم مجسطی از یونانی به عربی منتقل شد و اساس جغرافیای اسلامی همان دو کتاب بود. فنیقیها و یونانی ها به واسطه جهانگردی و بازرگانی با جغرافی آشنا شدند ولی مسلمانان به سه جهت قبل از ترجمه کتاب بطليموس با علم جغرافی مربوط گشتند. بعلاوه مردم حجاز پیش از اسلام به تجارت اشتغال داشتند و پس از اسلام که با سرعت هرچه تمام تر ممالک وسیعی را گشودند، طبعاً تجارت آنها نیز رونق گرفت. بنابراین مسلمانان از نظر جهانگردی و بازرگانی هم به جغرافی توجه داشتند اما آن سه جهت مخصوصی که عربها را بیشتر به جغرافی علاقه مند می ساخت عبارت از:

الف: زیارت مکه؛ مسلمانان در هر جا که می زیستند طبق دستور مذهبی خود می بایستی در صورت توانائی به حج بروند و همین دستور وسیله مهمی برای اطلاع از شهرها و راه های مبدأ تا مقصد (یعنی مکه) بود.

ب: مسافرت برای کسب علم؛ مسلمانان برای کسب علم و اطلاعات لازم دیار به دیار می گشتند و این مسافرت ها با جغرافیا ارتباط داشت و از آن روز مشاهده می شود که نخستین کتاب جغرافیای عرب از منزل ها و مسکن های قبایل چادر نشین صحبت می دارد و اولین مردمی که در آن باره تالیف نمودند راویان ادب مانند اصمعی و سکونی می باشند و پس از آن به جغرافیای جزیره العرب پرداختند و همدانی کتابی راجع به عربستان تالیف نمود و ابو الاشعث کندی مجموعه ای درباره کوه های تهمه تنظیم کرد.

ج: جهت سوم آن که مسلمانان پس از گشودن ممالک روم و ایران و مصر و غیره در طرز تسخیر آن بلاد اختلاف نظر داشتند و این از آن رو بای آنان مهم بود که طرز فتح با طرز وضع مالیات و جزیه ارتباط دارد و کشور هایی که به صلح یا جنگ یا به معاهده و امثال آن